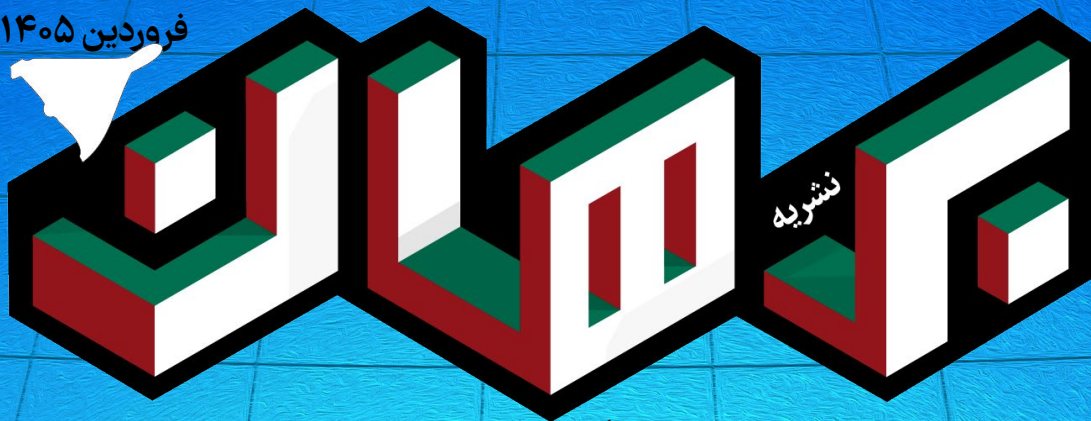


فروردین ۱۴۰۵



بسیج دانشجویی دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی
♦ دوره چهارم ♦ شماره پنجم

چهل روز مقاومت

ویژه نامه جنگ رمضان

در این شماره می خوانید:

صفحه ۳ بیسیم زمان **داستان کوتاه**

صفحه ۴ سکوت صحنه نبرد نظامی **میز سیاسی**

صفحه ۵ تنگه هرمز و آینده جنگ **میز اقتصادی**

صفحه ۶ میراث شهید خامنه‌ای **میز فرهنگی**

سنة البر البر



سخن سردبیر:

با قلبی مالا مال از خشم نسبت به شیطان اکبر، آمریکای جهانخوار و دلی آکنده از اندوه شهادت رهبر و مولای مسلمین و شیعیان و تمام مستضعفین جهان پس از بهتی شوکه‌کننده و بغضی گلوگیر و حیرت از بعثت مردمی که قطره قطره خونشان به ذره ذره خون مولایشان وابسته بود، به مناسبت اربعین پیشوایمان قلم در دست می‌گیریم.

اقرار می‌کنیم که تورا آنگونه که باید نشناختیم؛ نه تورا و نه اندیشه تورا، همان اندیشه‌ای که مردم را نه روز بدون ولی فقیه در خیابان‌ها جاری ساخت و فتنه‌های داخلی و خارجی را خنثی نمود.

اگر برای پیشمرگ شدن برای ایران و میراث تو که جمهوری اسلامیست هیچ دلیلی جز لبخند تو نبود آنرا کافی بود و حال آنکه دستور توسل و امر، امر شماسست. ای سید و مولای ما، دعا کن برای ما و شفیع ما باش.



@kntubasij



@Kntu_Borhan



@revaj_ir

بیسیم زمان

سید امیررضا غضنفری



سید سید آقا مرتضی، سید سید آقا مرتضی
 - آقا مرتضی از فروردین سال ۱۴۰۵ دارم بیسیم میزنم،
 صدامو داری؟
 - به گوشم سیدجان
 - آقا مرتضی گوش کن نمیدونم چقدر این بیسیم زمان
 وصل بمونه، تعریفی برات دارم. درگیریم به شدت، نقل
 و نبات دشمن قطع نمیشه، داریم آرزوی شمارو زندگی
 میکنیم.
 - صدات خوب نیست سیدجان کجایی که نُقل و نبات
 سنگینه؟ چه آرزویی؟ داستان چیه؟
 - گوش کن آقا مرتضی. گوش کن. من از تهران بیسیم
 میزنم.

باز یه گول بی‌شاخ و دمی سر تکون داد؛ این بار نه مثل
 زمان شما توی پوسته‌ی یه کشور دیگه، خودش اومده بود.
 خودش با همه دور و بریاش، خودش با همه‌ی همه‌ی
 تجهیزاتی که داره اومد. خودش اومده بود و اسراییل هم
 باهاش بود وعده آخر هممون که جنگ با یهوده.

اومد و روز اول زد به قلب این مردم، زد به رگ غیرتمون
 و چقدر یتیمی سخته؛ ما واقعا با آمریکا پدرکشتگی داریم.
 ولی نمیدونستیم آقا مرتضی! الان نمیخوام برات مرثیه آقا
 رو بخونم. می‌خوام برات روایت فتح این روزامونو بگم.
 منظورم بیان پیروزی مون نیست. منظورم اینه اگر امروز
 شما زنده بودی دوربینت رو برمی‌داشتی میومدی تک به
 تک محله‌های تهران رو باهم می‌چرخیدیم تا شاید بتونی
 از دلش "روایت فتح" بکشی بیرون.

- سید جان نامفهوم بود، تهران؟! تهران که سقوط کرده
 بود. از لحاظ نرم میگم محله‌های بالا رو که خاطر تون
 هست مفهومه دیگه؟

- بله آقا مرتضی، تهران رو میگم، همون تهرانی که سقوط
 کرده بود. ولی میدونی قضیه اینه که تک به تک کوچه پس
 کوچه‌های تهران این شب سوژه هست. از هرکدوم میشه
 ساعتها مستند ساخت.

شب اول که اومدیم توی خیابون عزاداری کنیم، توی دلمون
 ترس بود نمیدونستیم چی میشه. می‌گیره نمی‌گیره، یه
 وقت فحش نخوریم. نترسیدیم یه یاعلی گفتیم و اومدیم
 بیرون؛ بیرون که رسیدیم حرف آقا توی سرمون تکرار شد.
 "اگر چنانچه حادثه‌ای برای کشور پیش بیاید، خدای متعال
 این مردم را مبعوث خواهد کرد برای مقابله‌ی با حوادث، و
 کار را مردم تمام خواهند کرد.

ملت مبعوث شده بودند با مردم همراه شدیم از در
 هر خانه‌ای که رد میشدیم زنها نمیدونستن چطوری
 آماده بشن که برسن بهمون وقتی میدیدن یه عده
 توی خیابون با بغض فریاد میزنن "ای رهبر شهیدم
 راهت ادامه دارد" یا وقتی که از اعماق وجودمون فریاد

میزدیم: "ایران شده کربلا مهدی بیا مهدی بیا" و ملتی
 که سر از پا نمیشناسن همه اشک هاشون رو نگه
 داشتند. بغض، داشت هممونو خفه میکرد ولی به
 یاد اینکه "گاهی دل از غم مالا مال می‌شود، اما عزم
 و اراده باید راسخ بماند؛ اشک‌هامونو فرو می‌بردیم و
 مشت‌هامونو گره می‌کردیم و فریاد میزدیم:

مرگ بر آمریکا!

مرگ بر اسراییل!

آقا مرتضی گوشه گوشه‌ی این شهر مردم جمع شدن؛
 این‌بار نه توی میادین اصلی بلکه توی محله هاشون.
 خون آقا بود که توی رگ مردم می‌جوشید. از اذان مغرب
 تا اذان صبح و هر بار ما متحیرانه به این مردم چشم
 میدوختیم، مردمی که با دل عزادار بغض‌هاشونو نگه
 داشته بودند و حماسه‌سرایی می‌کردند.

اینبار جنگ فرق کرده بود؛ به جای دوکوهه خیابون
 رو داشتیم و به جای کانال ماهی و فکه و شلمچه،
 کلانتری پلیس و ایست بازرسی و ناحیه‌های بسیج.
 جنگ توی شهر بود، آقا مرتضی خط مقدم عوض
 شده بود ولی ما حماسه ساختیم ما به همه ثابت
 کردیم که حرف رستم و گردآفرید فقط افسانه نیست.
 ما ثابت کردیم میشه به جمعیتی موشک زد و به
 جای صدای تسلیم نوای تکبیر از شون شنید. ما به
 همه ثابت کردیم میشود نظام سیاسی‌ای داشت که
 مسئولینش پیش‌مرگ مردمش باشند. ما ثابت کردیم
 به مقرر و کلانتری و ناحیه‌های بسیج وابسته نیستیم.
 ما ثابت کردیم ملتی هستیم که در برابر هدف قرار
 گرفتن ایست بازرسی‌ها برای تامین امنیت شهر و
 دیارمون صف می‌کشیم. توی یک کلمه بگم ما ثابت

ادامه متن قبلی:

کردیم میدونیم **لیک یا حسین** یعنی چی و **لَبَّيْكَ يَا حُسَيْنَ** یعنی **اَنْ تَدْفَعُ الْاُمُرُ يُوَلِّدُهَا لِيُقَاتِلَ فَاِذَا اسْتَشْهَدَ وَ احْتَرَّ رَاْسُهُ وَ الْقَلْبُ بِهٖ اِلَى اَمِّهِ وَضَعْتَهُ فِي جِجْرَهَا وَ مَسَحَتْ الدَّمَّ وَ التَّرَابَ عَنْ وَجْهِهِ وَ قَالَتْ لَهُ رَاضِيَةً مُّحْتَسِبَةً بَيَّضَ اللّٰهُ وَجْهَكَ يَا بَنِيَّ كَمَا بَيَّضَتْ وَجْهِي عِنْدَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ هَذَا يَعْنِي لَبَّيْكَ يَا حُسَيْنَ.**

آقا مرتضی ما ثابت کردیم که تمدن داشتن و ایرانی بودن یعنی وقتی دشمن تهدید کرد که پل و نیروگاه و زیرساخت هامونو هدف میگیره، ما روی پل ها تجمع میکنیم و دور نیروگاهها هسته تشکیل میدیم.

آقا مرتضی این بیسیم معلوم نیست چقدر دیگه ارتباط مارو وصل نگه میداره فقط بگم که وقتی آمریکایی ها با هلیکوپترها و هرکولس هاشون وارد خاک ما شدند؛ مردم به جای فرار سنگر ساختند. لرها و بختیاری ها برنو به دست روی کوهها رفتند و ما یکبار دیگه خدای طبس رو با چشم هامون دیدیم.

ما جهان رو انگشت به دهان کردیم وقتی دیدند میشه با شنیدن صدای ارتش هالیوودی آمریکا فرار نکرد و **"هرکس می خواهد مارا بشناسد باید داستان کربلا را بخواند."** ما ثابت کردیم کوماندوی دلتافورس مغلوب عشایر بختیاری ماست.

آقا مرتضی ما در آرزوی دیرینه‌ی همت و باکری و متوسلیان و کاظمی و سلیمانی و خرازی زندگی میکنیم محله به محله سنگرهای ماست ما حرف مولامون امام حسین رو بازتاب دادیم که **"الا و ان الدعی ابن الدعی قد رکز بین اثنتین بین السله و الذله ، و هیات منا الذله"**
- سیدجان یا لبتنی کنت معکم!
- سید مرتضی صدامو داری؟

راوی فتح میشنوی؟

بیسیم زمان قطع شد....

سکوت صحنه نبرد نظامی

مهران رحمان مرندی

«اگر بر فرض، ضرورتاً نوبت دوره سکوت صحنه نبرد نظامی رسیده باشد» اما بنا نیست که در این گفتگوها و مذاکرات در دست اقدام، هیچ خط قرمزی از خطوط قرمز ملت قهرمان ایران نادیده گرفته بشود. ملتی که چندین هفته است که **«خداوند آنها را مبعوث کرده است»** برای پاسداری از میراث خامنه‌ای. هر چند که دشمن داخلی و خارجی بخواهند مترصد آنند که با دهان‌هایشان نور خدا را خاموش کنند.

این ملت، هرگز نخواهد پذیرفت که دستاوردهای فرزندان آنها در میدان جنگ، که با خون **«هزاران انسان شریف»** بدست آمده است، در میدان دیپلماسی به باد فراموشی سپرده شود. برای دشمنان این مرز و بوم، تنگه هرمز دیگر طوفانی نخواهد شد **«و حتماً مدیریت تنگه هرمز را به مرحله جدیدی وارد خواهیم نمود»**.

ملت ایران، همچنین همانند گذشته‌ی پرافتخار خودشان، هرگز دست از حمایت ملت‌های آزاده در سراسر جهان نخواهد کشید. این ملت هرگز برادران خود در غزه و لبنان و سایر نقاط منطقه را در زیر ضربات وحشیانه‌ی دشمن ددمنش تنها نخواهد گذاشت و یقه‌ی دشمن را تا زمان برقراری صلح پایدار در سراسر منطقه از جمله ایران رها نخواهد کرد.

بعد از واقعه‌ی عظیم شهادت مقام معظم رهبری عجل الله تعالی فرجه‌ه و حضور مستمر شبانه‌ی مردم که **«از این داغ، حماسه و از رثاء، رجز ساخت»** دیگر هیچ رکنی از ارکان منطقه و جهان به قبل باز نمی‌گردد؛ از مناسبات همسایگان جنوبی ایران که دیگر **«به وعده‌های دروغین شیطان بدگمان می‌شوند»** تا حتی تغییرات روش‌های مبادلات ارزی کشور و حتی معاهدات بین‌المللی انرژی.

اما آن چیزی که باعث می‌شود **«متجاوزین تبهکاری که کشور ما را مورد حمله قرار دادند رها نشوند»** پابرجا ماندن این **«فریادهای مردم در تجمعات خیابانی»** و باور آنها بر اینکه **«کسی مثل ملت ایران با کسی مثل یزید بیعت نخواهد کرد»**. مردمی که بالاخره روزی دست انتقام از آستین آنها بیرون خواهد آمد و **«غرامت تک‌تک صدمات وارد شده و خون‌بهای شهیدان و دیه جانبازان این جنگ را طلب خواهد کرد»** چرا که **«وقتی ظلم و جنایت از حد گذشت، وقتی درنده خوبی به نهایت رسید، باید منتظر طوفان بود»**.

انتقامی از جنس آنچه مختار ثقفی بر سر قاتلین اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام فرود آورد. انتقامی عبرت ساز برای تمام تاریخ تا دیگر هیچ احمقی در سراسر جهان برای لحظه‌ای به فکر تعدی به رهبر شیعیان جهان نیفتد. جنس این خونخواهی ما هم از جنس عزای ما برای شهادت سیدعلی حسینی خامنه‌ای است. **«جنس عزای ما از جنس عزای سیدالشهدا علیه‌السلام است؛ زنده و زنده‌کننده است»**.

به همین دلیل است که میل به منجی در این ایام اخیر و بصورت کلی پس از حماسه‌ی طوفان الاقصی در بین ملت ایران همچون سایر ملت‌های آزاده‌ی جهان رشد چشمگیری داشته است که جلوه‌های آن در حالات معنوی و توسلات مردم در خیابان‌ها و میادین مشهود بود که خوار چشم دشمن و ضیاء عیون دوستداران انقلاب اسلامی می‌باشد.

تنگه هرمز و آینده جنگ

محمدحسین سرلک

همانطور که خوانده‌اید و شنیده‌اید آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای علیه السلام فرمودند: **"از اهرم مسدود کردن تنگه‌ی هرمز باید همچنان استفاده بشود"**. همانطور که مشخص است آمدن کلمه‌ی "اهرم" پشت مسدود کردن قطعاً بی دلیل نیست و با مسدود کردن مطلق تفاوت دارد.

اهرم تنگه‌ی هرمز ابزاری برای کنترل عرضه‌ی انرژی جهان و به تبع آن تأثیر بر قیمت انرژی و مشتقات نفتی و گازی، عرضه‌ی بخش قابل توجهی از کود دنیا و ایضاً عرضه‌ی عناصر کلیدی همچون هلیوم است.

یکی دیگر از نکات قابل توجه در بحث اهمیت تنگه هرمز، اعمال حاکمیت بین المللی ایران بر این آبراهه و اثر آن بر دیگر روابط دیپلماتیک، اقتصادی و سیاسی آن با کشورهای دیگر است.

برای مثال ابزار تنگه هرمز قادر است آن روابط اقتصادی که بر اثر تحریم‌های اولیه و ثانویه‌ی آمریکای جنایتکار بر ایران دچار اختلال شده را از طریق محدودیت‌های متقابل احیا سازد؛ شاهد مثال آن کشورهای هستند که بعضاً حتی مواضع تند و خصمانه‌ای علیه ما داشتند اما اکنون با ترامپ همکاری نمی‌کنند و بر حق حاکمیتی ایران احترام می‌گذارند و برای عبور کشتی‌هایشان با ما وارد مذاکره و گفتگو می‌شوند. تمامی این اتفاقات ناشی از وابستگی اقتصاد جهانی و مخصوصاً اروپا به تنگه هرمز است.

خواستن و توانستن حاکمیت تنگه هرمز آزمون دیگری بود که سال‌های سال توسط برخی کارشناسان غرب‌گرا ناممکن و دور از ذهن تصویر می‌شد ایضاً در برخی تحلیل‌ها، مهم‌ترین متضرر آن چین بیان می‌شد و نتیجتاً مسدود کردن و هرگونه اعمال حاکمیت بر آن را با مقالات پرطمطراق نشدنی بیان می‌کردند اما جمهوری اسلامی ثابت کرد که اولاً توانی نظامی مسدود کردن این تنگه را دارد و از نظر امکانات نظامی محدودیتی ندارد و ثانیاً حاکمیت هوشمندانه آن خواهد توانست دوستان راهبردی جمهوری اسلامی را راضی نگاه دارد و این امکان عظیم را که سال‌ها امکان استفاده از آن دور از ذهن مانده بود برقرار نماید.

حال که ما از این ظرفیت بزرگ و خدادادی آگاه شده‌ایم، بایستی با برنامه‌ریزی درست و رعایت حق حاکمیتی و اقتدار ایران برای فردای تنگه‌ی هرمز برنامه جدیدی وضع کنیم؛ رژیمی که حافظ امنیت مردم باشد و منافع آن متوجه کشور و همه‌ی آحاد مردم باشد.

ایضاً امکان تشکیل معاهدات منطقه‌ای واقعی حول منافع کشورهای حاشیه خلیج فارس و بدور از آمریکا و اسرائیل وجود دارد. در فردای این جنگ و اثبات این حق حاکمیت قطعاً شورای همکاری کشورهای حاشیه خلیج فارس چهره تازه‌ای به خود خواهد گرفت.



میراث شهید خامنه‌ای

علیرضا یزدان‌پناه

و معجزه کرد. این امید متکی به وعده الهی، موتور محرک گام دوم انقلاب است.

حکمت سیاسی؛ پیوند ناگسستنی ایمان، عقلانیت و سیاست:

او معماری بود که خشت خشت سیاست را با ملات تقوا و اخلاص بنا نهاد. در مکتب او، سیاست‌ورزی نه فریب‌کاری و پراگماتیسم آمریکایی، که عرصه تجلی عقلانیت مؤمنانه بود. او نشان داد که می‌توان در کانون پیچیده‌ترین معادلات جهانی حضور داشت، اما یک قدم از اصول مکتب و آرمان‌های تشیع کوتاه نیامد. این میراث، قطب‌نمای حرکت ما در غبار فتنه‌های آینده است.

رویش‌های انقلاب؛ تربیت نسل فاتحان و خطشکنان:

بزرگ‌ترین و ماندگارترین دستاورد او، نه در جغرافیا، که در انسان‌سازی و تسخیر قلب‌ها بود. او به جوانان اعتماد کرد و نسل نویی از ابودرها و میثم تمارها را پروراند که امروز در دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و میدان‌های نبرد، پرچم انقلاب را با افتخار در دست دارند. این نسل جوان و مؤمن، انتقام سخت و تاریخی او را با نابودی باطل رقم خواهند زد.

وحدت مقدس؛ اقیانوس بی‌کران و خروشان ملت:

شهادت او، رستاخیزی عظیم در خیابان‌های ایران بپا کرد. حضور شگفت‌انگیز، میلیونی و بی‌سابقه اقدارگوناگون جامعه با هر سلیقه و ظاهری در مراسم‌های بدرقه ایشان، به جهانیان ثابت کرد که او پدر مهربان تمام این سرزمین بود. این وحدت مقدس، دیواری پولادین و دژی تسخیرناپذیر است که هیچ خصمی توان عبور از آن را نخواهد داشت.

نگاه تمدنی؛ افق روشن و درخشان امت اسلامی:

او انقلاب اسلامی را نه یک حادثه مقطعی در گذشته، که یک مسیر و شاهراه به سوی تمدن نوین اسلامی می‌دید. میراث تمدنی او، امروز فراتر از مرزهای ایران، در قلب جبهه مقاومت از کوه‌های یمن تا کوچه‌های ویران اما ایستاده غزه و بیروت می‌تپد. او امت اسلامی را از خواب غفلت بیدار کرد تا برای طلوع خورشید ولایت عظمی آماده شوند.

میراث شهید سید علی خامنه‌ای، تنها کلماتی روی کاغذ یا خاطراتی در گذشته نیست؛ بلکه این میراث عظیم، در قامت علمدار جدید انقلاب، حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، تجلی و تداوم یافته است. او که خود عصاره مکتب پدر و یادگار زنده آن پیر فرزانه است، امروز پرچم خیمه ولایت را بر دوش گرفته تا کشتی امت را در دل طوفان‌های سهمگین هدایت کند. ما دانشجویان، جوانان و مردم همیشه ایستاده در میدان، با بغضی در گلو و ایمانی راسخ در سینه، داستان خود را در دست این رهبر شجاع می‌گذاریم و با خون جوشان شهید محراب عشق بیعت می‌کنیم که هرگز علمدار جدید را در میانه میدان تنها نگذاریم. این رسالت سنگین اکنون بر دوش ماست. امروز، هر قلمی که در دانشگاه می‌چرخد، هر قدمی که در مسیر پیشرفت برداشته می‌شود و هر فریادی که علیه ظلم برمی‌خیزد، لبیک به ندای این ولی امر و امتداد همان مشیت‌گره‌کرده در لحظه شهادت است. چهل روز خون‌گریستیم تا چله‌نشین حماسه و بیداری شویم. راهیان نور و شهادت در آسمان‌ها نظاره‌گر مایند؛ برخیزید تا با این بیعت ناگسستنی و با قدم‌هایی استوار، پرچم این انقلاب را از قلعه‌های خونین مقاومت عبور دهیم و به دست صاحب اصلی‌اش بسپاریم.

چهل روز است که سپیده از پس پرده خون طلوع می‌کند. چهل روز از عروج مردی می‌گذرد که کوه استقامت بود و چراغ هدایت در تاریک‌ترین طوفان‌های فتنه؛ سید علی خامنه‌ای، آن پرچمدار کاروان انقلاب که تنها یک رهبر سیاسی نبود، بلکه تبلور عینی مکتب عاشورا در عصر انحطاط ارزش‌ها بود. او در میدان نبرد حق و باطل، تجلی بصیرت عمار در میان غبار شبهات، صلابت مالک اشتر در تقابل با معاویه‌های زمان، حکمت مطهری در محراب اندیشه و شجاعت سلیمانی در خط مقدم جبهه‌ها بود.

امروز، جهان اسلام در کانون تقابل تاریخی حق و باطل می‌سوزد؛ نبردی که در یک سوی آن تمامیت کفر با سلاح و تزویر ایستاده و در سوی دیگر، جبهه حق با خون و مظلومیت مقاومت می‌کند. اما خونی که از گلوئی این ابراهیم زمان بر زمین ریخت، آتش نمرودیان زمان را سرد نکرد، بلکه به گلستان بیداری امت بدل شد. جای خالی او، امروز نه با یأس و زانوی غم بغل گرفتن، بلکه با خشمی مقدس و امیدی عمیق در جان‌ها پر می‌شود؛ امیدی که نسل جوان انقلاب را تا قلعه‌های فتح نهایی همراهی خواهد کرد.

مشیت‌گره‌کرده؛ تجلی ابدی مقاومت و ایستادگی:

مشیت‌گره‌کرده‌ی او، آخرین، رساترین و برنده‌ترین خطبه‌اش بود. همان‌گونه که در پیام رهبر انقلاب، حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای به زیبایی بیان شد، آن مشیت‌گره‌کرده در لحظه عروج، نماد تسلیم‌ناپذیری محض و خشم انقلابی است. این مشیت، وصیت‌نامه‌ای بی‌کلام اما پرخروش بود تا به تاریخ نشان دهد در برابر طوفان شیاطین، تنها با صلابت می‌توان ایستاد و هرگز نباید در برابر هیمنه‌ی پوشالی استکبار زانو زد. این مشیت، تا ابد بر دهان سازش‌کاران باد.

نهضت علمی؛ فتح سنگرهای دانایی و اقتدار:

او با نگاهی پیامبرگونه به ما آموخت که اقتدار حقیقی، از مسیر علم و تسخیر مرزهای دانش می‌گذرد. از جهاد هسته‌ای و شکافتن ذره‌ها تا پیشرفت‌های خیره‌کننده پژوهش‌سکده رویان، فناوری نانو و شکوفایی شرکت‌های دانش‌بنیان، همه ثمره‌ی نگاه باغبانی بود که نهال خودباوری را در شوره‌زار تحریم کاشت. این میراث علمی، امروز شمشیر برنده ما در جنگ نابرابر و ترکیبی فرداست.

سنگر کتاب؛ مسلح شدن به سلاح اندیشه و آگاهی:

در روزگاری که هیاهوی رسانه‌ها جای خرد را می‌گرفت، او وفادارترین همنشین کتاب و کلمه بود. میراث کتابخوانی او، دعوتی است مداوم به ژرف‌اندیشی و ارتقای افق دید؛ چرا که سرباز خطشکن جبهه‌ی حق، پیش از آنکه شمشیر برکشد و ماشه را بچکاند، باید ذهن خود را به نور آگاهی مسلح کرده باشد. او خواندن را به یک فریضه‌ی جهادی تبدیل کرد.

امید صادق؛ بذر روپیده در دل تاریک‌ترین طوفان‌ها:

هیچ شبی در نگاه توحیدی او آن‌قدر تاریک نبود که نوید صبح صادق را در خود نداشته باشد. میراث امید او، امیدی واهی یا شعاری خیالی نبود؛ باوری عمیق و برخاسته از سنت‌های تخلف‌ناپذیر الهی بود. او به جوانان آموخت که حتی در محاصره‌ی کامل دشمن، می‌توان شکفت، پیش رفت



مُقَاتِلَات

سالها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه در میدانهای مبارزه با شیاطین و اشرار عالم، و سالها آرزوی شهادت در راه خدا، سرانجام سلیمانی عزیز را به این مقام والا رسانید و خون پاک او به دست شقی‌ترین آحاد بشر بر زمین ریخت.

عزیزها
بهتر است که بدانید

نشریه برهان | فروردین ۱۴۰۵ | شماره ۵ | ویژه‌نامه جنگ رمضان

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی

مدیر مسئول: امیرعلی محمودی ویراستار: سید امیررضا غضنفری گرافیک: سیدامیرمهدی انوری

تیم تحریریه: مهران رحمان مرندی، سید امیررضا غضنفری، محمدحسین سرلک، علیرضا یزدان‌پناه